

The Effects of Dialectical Behavior Therapy on Marital Burnout Among Females on the Brink of Divorce

Nabavi SM¹, *Shahbazi M², Korai A³

Author Address

1. PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran;
2. Assistant Professor, Department of Counseling, Masjed Soleiman Branch, Islamic Azad University, Masjed Soleiman, Iran;
3. Assistant Professor, Department of Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
*Corresponding author's email: masoudshahbazi66@yahoo.com

Received: 2020 February 16; Accepted: 2019 November 7

Abstract

Background & Objectives: Individuals require satisfying relationships. Couples experiencing an intimate relationship with their spouse can more effectively express themselves and their needs to their spouse. Contrarily, marital burnout has numerous emotional and biopsychological consequences. A successful approach concerning couple conflict, marital satisfaction, as well as the improvement of mental health status, including depression, anxiety, and emotional instability is Dialectical Behavior Therapy (DBT). The standard DBT protocol for individuals with marital conflict includes 4 basic abilities, as follows: effective communication, emotion regulation, mindfulness, and distress tolerance skills. DBT skills could reduce marital burnout with its effect on reducing intrapersonal and interpersonal conflicts. The current study aimed to investigate the effects of DBT on marital burnout among females on the brink of divorce.

Methods: This was a quasi-experimental study with a pretest-posttest and a control group design. The study statistical population included all females on the brink of divorce in Sari City, Iran, in 2019, referring to the Welfare Office of this city. Among them, 30 women were selected based on the research inclusion criteria, and obtaining higher mean scores in the Pines Couple Burnout Measure (CBM) (Paines, 1996). The study subjects were selected using a purposive sampling method; accordingly, they were randomly assigned to two groups of 15 participants (experimental & control). The study inclusion criteria consisted of living with the spouse in the same house, having at least one child, and 5 years passed from cohabitation. The study exclusion criteria included substance dependence, mental illnesses, as well as murder and adultery experiences. Then, the experimental group received 8 weekly 2-hour sessions of DBT. After the end of the training sessions, the posttest assessment was performed and the collected information was analyzed. The CBM consists of 3 main components, as follows: physical burnout, emotional burnout, and mental burnout. The content of the therapy sessions was based on the High-Conflict Couple book (Foruzzetti, 2006) and the Dialectical Behavior Therapy Techniques book (Mc Kee et al., 2007), i.e., per the Linehan's DBT skills protocol (1993). The obtained data were analyzed using Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA) in SPSS.

Results: In the experimental group, the mean posttest scores of marital burnout and its components decreased, compared to the pretest values; however, in the controls, these scores did not change much from pretest to posttest. The total pretest mean (SD) scores of marital burnout in the test and control groups were 116.47(8.45) and 112.33(7.78), respectively. The total posttest mean (SD) scores of marital burnout in the experimental and control groups were 69.20(10.61) and 99.07(7.00), respectively.

Concerning the physical aspect of marital burnout, the pretest mean (SD) scores of the case and control groups were 38.67(3.69) and 39.27(3.90), respectively; the same values in the posttest stage were 22.87(5.73) and 35.07(4.69), respectively. In terms of the emotional dimension of marital burnout, the pretest mean (SD) values of the test and control groups were 37.73(3.73) and 36.00(3.07), respectively. Moreover, in the posttest stage, the mean (SD) scores of the DBT and control groups were 23.07(4.57) and 31.80(3.42), respectively. Respecting the psychological aspect of marital burnout, the pretest mean (SD) values of the test and control groups were 40.07(3.45) and 37.07(4.04), respectively; the same scores in the posttest stage among the experimental and control groups were 23.27(4.52) and 32.20(3.61), respectively. The MANCOVA results (by controlling the pretest scores effect) revealed a significant difference between the experimental and control groups in the posttest scores of the marital burnout and its components ($p < 0.001$).

Conclusion: The present research findings suggested that DBT could effectively reduce couple burnout in the studied subjects. Thus, this treatment could be applied as an appropriate approach to reduce marital problems among females' on the brink of divorce.

Keywords: Dialectical behavior therapy, Couple burnout, Females, Brink of divorce.

بررسی کارایی رفتاردرمانی دیالکتیکی بر دزدگی زناشویی زنان در آستانه طلاق

سیده محبوبه نبوی^۱، *مسعود شهبازی^۲، امین کرای^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران؛
۲. استادیار گروه مشاوره، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران؛
۳. استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
*رایانامه نویسنده مسئول: masoudshahbazi66@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۶ آبان ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ بهمن ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: دزدگی زناشویی یکی از پدیده‌هایی است که زوج‌های بسیاری درگیر آن هستند؛ همچنین از دلایل اصلی طلاق عاطفی است و در صورت نبود چاره‌اندیشی و درمان آن، زمینه را برای طلاق رسمی زوجین فراهم می‌کند؛ لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی کارایی آموزش رفتاردرمانی دیالکتیکی بر دزدگی زناشویی زنان در آستانه طلاق، انجام شد.

روش‌بررسی: طرح پژوهش به صورت نیمه تجربی و از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه این پژوهش را تمامی زنان در آستانه طلاق شهر ساری تشکیل دادند که به دلیل اختلافات زناشویی در سال ۱۳۹۷ به بهزیستی این شهر مراجعه کردند. از میان آن‌ها ۳۰ زن با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس هدفمند انتخاب شدند و با گمارش تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (آزمایش و گواه) جایگزین شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه دزدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) بود. برنامه آموزش رفتاردرمانی دیالکتیکی، در هشت جلسه برای گروه مداخله، هفته‌ای دو ساعت برگزار شد. پس از انجام پس‌آزمون، داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس یک‌راهه نشان داد که در پس‌آزمون، در دزدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن شامل دزدگی جسمی، عاطفی و روانی در آزمودنی‌های گروه آزمایش در مقایسه با آزمودنی‌های گروه گواه، کاهش معناداری مشاهده شد ($p < 0.001$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رفتاردرمانی دیالکتیکی در کاهش دزدگی زناشویی مؤثر است و این روش درمانی می‌تواند به عنوان گزینه مداخله‌ای مناسبی برای کاهش مشکلات زناشویی زنان در آستانه طلاق استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: رفتاردرمانی دیالکتیکی، دزدگی زناشویی، زنان در آستانه طلاق.

همه انسان‌ها، نیازی پایه و اساسی به برقراری روابط گرم و رضایت‌بخش دارند. توانایی ایجاد و حفظ روابط صمیمانه، یکی از تکالیف مهم زندگی زناشویی پایدار و رضایت‌بخش با همسر است (۱). زوجینی که روابط گرمی با همسر خود تجربه می‌کنند، قادرند خود را به شیوه مطلوب‌تری عرضه کنند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به همسر خود ابراز نمایند؛ همچنین از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار هستند (۲)؛ اما گاهی زوج‌ها درمی‌یابند که رفتار همسرشان آن چیزی نیست که انتظارات را داشته‌اند و پس از به وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قبل و بعد از ازدواج مقایسه می‌کنند و در پی آن، احساسات منفی، حالت غالب به خود می‌گیرد و به ازدست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی، تعهد و در نهایت به بروز دلزدگی منجر می‌شود (۳). دلزدگی دارای علائمی مانند کمبود عمومی اشتیاق، نبود رضایت، فرسودگی عاطفی، بی‌احساسی و کمبود علاقه است (۴). دلزدگی در مرحله اول با نبود تعادل میان منابع و تقاضا شروع می‌شود؛ ناهمخوانی میان انتظارات و ایده‌آل‌های افراد از یک سو و واقعیات از سوی دیگر که نتیجه آن، استرس است. در مرحله دوم، افراد به تدریج شروع به فشار عاطفی و فرسودگی و خستگی می‌کنند. مرحله سوم شامل تغییراتی در نگرش و رفتار می‌شود و در این مرحله افراد نگرش خود را درباره زندگی زناشویی و همسر تغییر می‌دهند. سرانجام در این مرحله دلزدگی اتفاق می‌افتد (۵).

دلزدگی زناشویی پیامدهای درخور توجهی برای زندگی زوجین به دنبال دارد و با ابعاد سلامت نیز در ارتباط است. دلزدگی زناشویی، در بُعد جسمانی با کم بودن سلامت عمومی، ضعیف بودن سیستم ایمنی بدن و برانگیختگی‌های قلبی عروقی همراه است. دلزدگی زناشویی، در بُعد روانی اجتماعی علاوه بر نشانه‌های معنادار افسردگی و اضطراب، گرایش به رفتارهای آسیب‌زا را نشان می‌دهد؛ همچنین از لحاظ شغلی با فرسودگی، استرس، تعارض کار-خانواده، درگیری در محیط شغلی و غیبت همراه است (۶). از آنجاکه وجود پدیده دلزدگی زناشویی در زوجین می‌تواند مقدمات ناخشنودی به همسر و طلاق عاطفی را فراهم کند و در نهایت اگر این مشکل به گونه‌ای مناسب حل نشود منجر به طلاق رسمی آن‌ها از یکدیگر می‌شود، توجه به اثرات مخرب این پدیده و درمان به موقع آن بسیار حائز اهمیت است. در حال حاضر دیدگاه‌های نظری متعددی با رویکردهای متفاوت، به دنبال تبیین و شناسایی موانع و مشکلات میان فردی و عوامل دلزدگی هستند تا با آموزش شیوه مناسب حل مسئله و الگوی رفتاری مناسب، به شکل‌گیری روابط سازنده منجر شوند و احساس رضایت را از زندگی مشترک افزایش دهند. یکی از رویکردهایی که اثربخشی آن در زمینه‌های مختلفی از جمله تعارض زوجین (۷)، رضایت زناشویی (۸)، بهبود شدت خلق و هیجان‌ها از قبیل افسردگی، اضطراب و بی‌ثباتی هیجانی (۹) موفقیت‌آمیز است، رویکرد رفتاردرمانی دیالکتیکی^۱ است.

رفتاردرمانی دیالکتیکی رویکردی شناختی-رفتاری است که توسط مارشا لینهان^۲ ابداع شد و برای افرادی که در صدد مهار هیجان‌های آشفته‌ساز خود هستند، تأثیر بسیار زیادی دارد. این رویکرد قادر است

اشخاص را برای رویارویی صحیح با ناراحتی، توانمند کند؛ بدون اینکه توانایی اداره خود را از دست بدهند یا دست به اعمال مخرب بزنند. با استفاده از تکنیک‌ها و مهارت‌های این روش، افراد می‌توانند بر نحوه برخورد خود با تعارض‌ها و آشفتگی‌ها تأثیر انکارناپذیری بر جای بگذارند و روابط بین فردی خویش را رضایت‌بخش کنند (۱۰). پروتکل درمانی استاندارد رفتاردرمانی دیالکتیکی برای افراد مبتلا به تعارضات زناشویی، شامل چهار دسته مهارت بنیادین است که با درمان مشکلات تنظیم هیجانی مرتبط هستند: ۱. مهارت‌های ارتباط مؤثر؛ هدف چنین مهارت‌هایی این است که روابط بین فردی آسیب نیند و با دیگران براساس اصل احترام متقابل رفتار کنند (۷، ۱۰)؛ ۲. مهارت‌های تنظیم هیجان: سطح کم تنظیم هیجانی که ناشی از ناتوانی در مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آنان است، در شروع تعارضات زناشویی نقش دارد. تحریک‌پذیری بیش‌ازحد که اغلب ناشی از تجربیات تلخ زوجین از یکدیگر و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها است، باعث می‌شود مشکلات بین زوجین دوام یابد و وخیم‌تر شود. آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان سبب می‌شود که افراد ابتدا هیجان‌های خود را بشناسند و بتوانند عواملی را که باعث شروع یا تداوم هیجان‌های ناکارآمد می‌شوند، تشخیص دهند تا در نهایت بتوانند آن‌ها را کنترل کنند (۱۱)؛ ۳. مهارت‌های ذهن آگاهی: توانایی توجه آگاهانه به افکار، هیجان‌ها، ادراک‌های جسمانی و اعمال، در لحظه حال، بدون هرگونه قضاوت، انتقاد و افکار منفی چه درباره خود و چه درباره دیگران است. آموزش این مهارت‌ها به زوجین باعث افزایش صبر، خوش‌بینی، لذت‌بردن از زمان حال و کاهش قضاوت و ذهن‌خوانی در آن‌ها می‌شود (۱۲)؛ ۴. مهارت‌های تحمل پریشانی: این مهارت‌ها توجه فرد را از موقعیت‌های دردناک دور می‌کنند و کمک می‌کنند او آرامش و خونسردی‌اش را حفظ نماید تا بتواند به نحو مؤثری با موقعیت کنار بیاید (۱۰)؛ همچنین به افراد کمک می‌کنند تا راهبردهای مقابله‌ای قدیمی مانند نبود برنامه‌ریزی را با راهبردهای مقابله‌ای سالم جایگزین نماید (۱۳).

باتوجه به ماهیت پیچیده دلزدگی زناشویی و تأثیرات فاجعه‌انگیز آن بر میل به طلاق زوج‌ها، ضروری است که مداخلات مؤثری برای کمک به افراد مواجه با این مشکل انجام شود. به نظر می‌رسد که مهارت‌های رفتاردرمانی دیالکتیکی با تأثیری که بر کاهش تعارضات درون فردی و بین فردی دارند، می‌توانند موجب کاهش دلزدگی زناشویی زوجین شوند. تأکید بیشتر رفتاردرمانی دیالکتیکی در کار با زوجین دارای تعارض، از لحاظ تئوری، بر آموزش تنظیم مهارت‌های تنظیم هیجانی است (۷). باتوجه به اینکه رویکرد رفتاردرمانی دیالکتیکی به تازگی از لحاظ نظری وارد حوزه کار با همسران دارای تعارض زناشویی شده است، کمبود پژوهشی زیادی در زمینه کار با همسران وجود دارد؛ لذا هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی بر دلزدگی زناشویی زنان در آستانه طلاق بود.

۲ روش بررسی

این پژوهش، مطالعه‌ای نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون

2. Marsha Linehan

1. Dialectical behavior therapy

همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان در آستانه طلاق شهر ساری تشکیل دادند که به دلیل اختلافات زناشویی در سال ۱۳۹۷ به بهزیستی این شهر مراجعه کردند. از بین آن‌ها، ۳۰ زن با روش نمونه‌گیری در دسترس هدف‌مند، انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (آزمایش و گواه) قرار گرفتند. حجم نمونه براساس حداقل حجم نمونه در مطالعات آزمایشی انتخاب شد (۱۴). ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش شامل زندگی با همسر در یک خانه، داشتن حداقل یک فرزند و ۵ سال سابقه زندگی مشترک و داشتن انحراف معیار بالاتر از میانگین نمرات در پرسشنامه دلزدگی زناشویی^۱ (۱۵) بود. ملاک‌های خروج شامل داشتن اعتیاد، بیماری روانی، قتل و خیانت زناشویی بود. پس از آن گروه آزمایش در طی هشت جلسه ۲ ساعته، به‌صورت یک جلسه در هفته تحت‌تأثیر آموزش رفتاردرمانی دیالکتیک قرار گرفت. رفتاردرمانی دیالکتیکی، درمانی

جدول ۱. محتوای جلسات رفتاردرمانی دیالکتیکی		
جلسات	عنوان جلسات	محتوا
اول	آشنایی با مفهوم دیالکتیک و ذهن‌آگاهی	آشنایی اعضا با یکدیگر، آشنایی با اهداف و قوانین گروه، تشریح انتظارات، توضیح درباره نحوه کار گروه، رازداری، حضور مرتب در جلسات، تعداد جلسات، مدت‌زمان جلسات. تعریف دیالکتیک و معرفی کلی رفتاردرمانی دیالکتیکی، آشنایی با مفهوم ذهن‌آگاهی. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
دوم	آموزش مهارت‌های ذهن‌آگاهی	آموزش تمرکز بر زمان حال، جداسازی افکار خود از هیجان‌ها و احساسات بدنی، آشنایی با سه حالت ذهن: ذهن منطقی، ذهن هیجانی و ذهن خردگرا و تأثیر دوجانبه آن‌ها بر روابط و تشریح تفاوت بین توصیف و قضاوت و تبدیل قضاوت به تعارض، آموزش مهارت‌های «چه چیز» و مهارت‌های «چگونه» ذهن‌آگاهی، مهارت‌های «چه چیز» شامل مشاهده، توصیف و شرکت‌کردن و مهارت‌های «چگونه» شامل اتخاذ موضع غیرقضاوتی، ذهن‌آگاهی و کارآمد عمل‌کردن. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
سوم	آموزش مهارت‌های تحمل آشفتگی	مهارت‌های پرت‌کردن حواس (توجه‌برگردانی)، خودآرامش‌بخشی، تصویرسازی از مکان امن، تنفس آگاهانه. آموزش تکنیک چگونگی توقف اوضاع وخیم شامل تعهد برای کارآمدشدن، پیشگیری از اعمال نکانشی، مدیریت و مشاهده تمایلات زیان‌بار. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
چهارم	آموزش مهارت‌های تحمل آشفتگی	زندگی در زمان حال، تدوین طرح آرمیدگی، تحمل آشفتگی با استفاده از افکار مقابله‌ای خودتشویق‌گرایانه و با استفاده از خودگویی‌های تأییدگرایانه. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
پنجم	آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان	شناخت هیجان‌ها، پذیرش هیجان‌ها حتی در صورت منفی‌بودن آن‌ها، آموزش مهارت‌هایی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر هیجان‌های منفی، تعادل‌آفرینی بین افکار و احساسات، افزایش هیجان‌های مثبت، درک هیجان در روابط، آموزش تکنیک پذیرش خود و همسر شامل آگاهی از ارتباط، خودآگاهی و توجه آگاهانه به خود، خود هیجانی، خود منطقی و وجود خشم در روابط. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
ششم	آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان	غلبه بر موانع هیجان‌های سالم، کاهش آسیب‌پذیری جسمی در برابر هیجان‌های آشفته‌ساز، توجه آگاهانه به هیجان‌ها بدون قضاوت، رویارویی با هیجان‌ها، عمل‌کردن برخلاف امیال شدید هیجانی، افزایش هیجان‌های مثبت. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
هفتم	آموزش مهارت‌های ارتباط مؤثر	گوش‌دادن جسارت‌مندانه، نه گفتن، مقابله با مقاومت و تعارض، چگونگی تأیید همسر، درک مشکلات یا اشتباهات همسر، تأیید در کلام و عمل، آموزش تکنیک ابراز روشن احساسات شامل شناسایی خواسته‌ها و احساسات مبهم، استفاده از ارتباطات غیرمستقیم، کم‌انگاری خواسته‌ها، بیش‌انگاری خواسته‌ها. ارائه تکالیف برای جلسه بعدی.
هشتم	آموزش مهارت‌های ارتباط مؤثر	چگونگی مذاکره، چگونگی تحلیل مشکلات بین‌فردی، چگونگی استفاده مثبت از تعارض و تبدیل آن به صمیمیت. آموزش تکنیک مدیریت مسائل و راه‌حل‌های گفت‌وگوکردن، شامل مدیریت مسئله در مقابل حل مسئله، تعیین مسئله، تجزیه و تحلیل مسئله. مرور مهارت‌ها به‌صورت عملی توسط اعضای داوطلب، جمع‌بندی نهایی و ختم جلسات.

^۱. Couple Burnout Measurement (CBM)

ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (۱۵). به منظور بررسی اعتبار این مقیاس از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ استفاده شد و ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه معادل ۰/۴ به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود (۲۲). در تحقیق حاضر، ضرایب پایایی پرسشنامه دلدگی زناشویی با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای کل مقیاس ۰/۸۹ بود و بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه مذکور است.

به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، پس از شرح اهداف تحقیق، در زمینه محرمانه بودن اطلاعات و حفظ رازداری، به آزمودنی‌ها اعلام شد که از اطلاعات جمع‌آوری شده آن‌ها برای تحقیق حاضر استفاده خواهد شد؛ لذا نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی در بالای پرسشنامه‌ها نیست و آزمودنی‌ها تنها با کد مشخص می‌شوند. به آزمودنی‌ها اعلام شد در طی جلسات به هر پرسشی که در رابطه با شیوه کار باشد، پاسخ داده خواهد شد و آنان برای انصراف از رضایت خود و تداوم نداشتن همکاری‌شان، در طی جلسات در هر مقطعی آزاد هستند. همچنین در صورت تمایل به دریافت و بررسی نتایج آزمون، یک جلسه مشاوره رایگان برای هریک از آن‌ها در نظر گرفته شد.

برای انجام تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، نرم‌افزار کامپیوتری SPSS نسخه ۲۴ به کار رفت. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری تجزیه و تحلیل شدند. سطح معناداری در این تحقیق $\alpha = 0/05$ در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری مانند میانگین، انحراف معیار برای تمامی متغیرهای مورد مطالعه، در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در گروه آزمایش میانگین دلدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن در مرحله پس‌آزمون در مقایسه با مرحله پیش‌آزمون کاهش یافته است؛ اما در گروه گواه نمرات از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون تغییر چندانی ندارد.

بعد از پایان جلسات آموزشی، مجدداً پرسشنامه دلدگی زناشویی (۱۵) برای هر گروه به عنوان پس‌آزمون اجرا شد و در پایان اطلاعات جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل گردید.

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری میزان دلدگی زناشویی زنان، از مقیاس ۲۱ سؤالی دلدگی زناشویی ساخته شده توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ استفاده شد که شامل ۳ جزء اصلی دلدگی جسمی و عاطفی و روانی است. تمام این اجزاء روی مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شود. سطح ۱ معرف نبود تجربه عبارت مدنظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مدنظر است. حد بیشتر نمره ۱۴۷ و حد کمتر نمره ۲۱ است. در تفسیر نمره‌ها، درجه بیشتر از ۵، نشانگر لزوم کمک فوری و درجه ۲ و کمتر از آن نیز نشان‌دهنده وجود رابطه خوب است. پاینز ضریب اعتبار ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ را برای اعتبار مقیاس گزارش کرده است (۱۵). ارزیابی ضریب اعتبار پرسشنامه دلدگی زناشویی نشان داد که پرسشنامه دارای همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسید؛ مانند نظر مثبت درباره ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدف‌مندی، کشش و جاذبه عاطفی به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها (۲۰). نسخه‌های ترجمه شده پرسشنامه دلدگی زناشویی به طور موفقیت‌آمیزی در مطالعات بین‌فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و فلسطین اشغالی استفاده شده است (۲۰). در ایران نیز صفی پوریان و همکاران ضریب پایایی مقیاس دلدگی زناشویی را با استفاده از دو روش ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف، برای کل مقیاس، به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۹۴ محاسبه کردند؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، پرسشنامه دلدگی زناشویی از همسانی درونی و ضریب پایایی مطلوب و رضایت‌بخشی برخوردار است و برای اندازه‌گیری میزان دلدگی زناشویی مناسب است (۲۱). ضریب اطمینان آزمون-بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه و ۰/۷۶ برای یک دوره دوماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه به دست آمد. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمره‌های دلدگی زناشویی گروه‌های آزمایش و گواه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	مرحله	شاخص آماری گروه	میانگین	انحراف معیار
دلدگی (کل)	پیش‌آزمون	آزمایش گواه	۱۱۶/۴۷	۸/۴۵
	پس‌آزمون	آزمایش گواه	۱۱۲/۳۳	۷/۷۸
مؤلفه دلدگی جسمی	پیش‌آزمون	آزمایش گواه	۶۹/۲۰	۱۰/۶۱
		آزمایش گواه	۹۹/۰۷	۷/۰۰
	پس‌آزمون	آزمایش گواه	۳۸/۶۷	۳/۶۹
		آزمایش گواه	۳۹/۲۷	۳/۹۰
مؤلفه دلدگی عاطفی	پیش‌آزمون	آزمایش گواه	۲۲/۸۷	۵/۷۳
		آزمایش گواه	۳۵/۰۷	۴/۶۹
	پس‌آزمون	آزمایش گواه	۳۷/۷۳	۳/۷۳
		آزمایش گواه	۳۶/۰۰	۳/۰۷
		آزمایش گواه	۲۳/۰۷	۴/۵۷
		آزمایش گواه	۳۱/۸۰	۳/۴۲

¹. Enrich Marital Satisfaction Questionnaire

۳/۴۵	۴۰/۰۷	آزمایش	پیش‌آزمون	مؤلفه دلدگی روانی
۴/۰۴	۳۷/۰۷	گواه		
۴/۵۲	۲۳/۲۷	آزمایش	پس‌آزمون	
۳/۶۱	۳۲/۲۰	گواه		

عامل گروه‌ها و پیش‌آزمون با کوواریانس معنادار نشد؛ یعنی عامل گروه‌ها تحت‌تأثیر پیش‌آزمون‌ها نبود و همگنی شیب رگرسیون تأیید شد. همچنین آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض بهنجاری بودن توزیع نمره‌های متغیرها به کار رفت که معنادار نبود؛ یعنی فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید شد.

برای بررسی معناداری کاهش میانگین‌ها در متغیرهای ذکرشده از تحلیل کوواریانس یک‌راهه استفاده شد. پیش از انجام این آزمون، ابتدا پیش‌فرض‌های آن بررسی شد. آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها استفاده شد که معنادار نبود؛ بنابراین همگنی واریانس‌های نمره‌های دو گروه در متغیرهای تحقیق تأیید شد. بررسی تعامل بین

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس یک‌راهه در متن مانکوا بر میانگین نمرات پس‌آزمون دلدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن در گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل اثر پیش‌آزمون

متغیر	منبع تغییرات	مقدار F	مقدار <i>p</i>	مجذور اتا	توان آماری
دلدگی	پیش‌آزمون	۰/۹۲۳	۰/۳۴۵	۰/۰۳	۰/۱۵۳
(کل)	گروه	۸۱/۴۷	>۰/۰۰۱	۰/۷۵	۱/۰۰
دلدگی	پیش‌آزمون	۱۱/۳۶	۰/۰۰۲	۰/۳۱	۰/۹۰۰
جسمی	گروه	۳۳/۸۴	>۰/۰۰۱	۰/۵۰	۱/۰۰
دلدگی	پیش‌آزمون	۳/۶۷	۰/۰۶۷	۰/۱۲	۰/۴۵۳
عاطفی	گروه	۲۷/۵۸	>۰/۰۰۱	۰/۵۲	۰/۹۹۹
دلدگی	پیش‌آزمون	۰/۳۰۵	۰/۵۸۶	۰/۰۱	۰/۰۸۳
روانی	گروه	۳۳/۹۴	>۰/۰۰۱	۰/۵۷	۱/۰۰

در زوجین دارای تعارض شود. پژوهش هارلی و همکاران (۲۳) نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر بود. آن‌ها در زمینه یکپارچه‌سازی آگاهانه، تنظیم هیجانی، ابراز روشن احساسات، روابط صمیمی افراد و درمان از طریق رفتاردرمانی دیالکتیکی آلف فروزتی مطالعاتی انجام دادند و توانستند با به‌کارگیری اصول دیالکتیکی به ارائه راهکارهایی به‌منظور حل تعارضات زناشویی زوج‌ها بپردازند.

همان‌طورکه در بخش یافته‌ها مشاهده شد، با کنترل پیش‌آزمون، بین زنان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ دلدگی زناشویی در زمینه ازپافتادگی جسمی تفاوت معناداری وجود دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که رفتاردرمانی دیالکتیکی مهارت‌هایی به فرد آموزش می‌دهد تا احساس به‌تربودن در او ایجاد شود؛ همچنین وی را قادر می‌سازد تا به‌شیوه مؤثرتری شرایط سخت را مدیریت کند و بر مشکلات زندگی خویش غلبه نماید (۷). تمرین‌های ذهن‌آگاهی در رفتاردرمانی دیالکتیکی با افزایش آگاهی افراد درباره لحظه حال، از طریق تکنیک‌هایی مثل توجه به تنفس و بدن و معطوف کردن آگاهی به اینجا و اکنون، در نظام شناختی و پردازش اطلاعات مؤثر است. مهارت‌های تحمل آشفتگی، فرد را مقاوم‌تر بار می‌آورند و شیوه‌های جدیدی را به او یاد می‌دهند تا بتواند اثرات آشفته‌ساز شرایط را کاهش دهد. تمرین‌های تحمل پریشانی به افراد کمک می‌کنند تا با انجام دادن برخی از فعالیت‌ها مثل توجه‌برگردانی، خودآرامش‌بخشی و پذیرش بنیادین، با درد خود به‌شیوه سالم‌تری کنار بیایند تا باعث رنج بیشتر خود نشوند (۱۰)

یکی از شاخص‌های دلدگی زناشویی عاطفی، افسردگی است. در

همان‌طورکه در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، نتایج تحلیل کوواریانس یک‌راهه در متن مانکوا بر میانگین نمرات پس‌آزمون دلدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن در گروه‌های آزمایش و گواه با گواه اثر پیش‌آزمون نشان داد که بین زنان در آستانه طلاق گروه آزمایش و گروه گواه، در پس‌آزمون از لحاظ دلدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$)؛ به عبارت دیگر، آموزش رفتاردرمانی دیالکتیکی با توجه به میانگین دلدگی زناشویی زنان در آستانه طلاق گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش دلدگی زناشویی گروه آزمایش شده است.

۴ بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی کارایی رفتاردرمانی دیالکتیکی بر دلدگی زناشویی زنان در آستانه طلاق بود. نتایج نشان داد، به‌کارگیری رفتاردرمانی دیالکتیکی بر دلدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن تأثیر معناداری بر زنان شرکت‌کننده گروه آزمایش درمقایسه با زنان شرکت‌کننده گروه گواه دارد؛ بدین صورت که موجب کاهش معنادار مؤلفه‌های دلدگی زناشویی شده است. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش تیموری و همکاران (۸) همسوست. آن‌ها مشخص کردند، رفتاردرمانی دیالکتیک باعث بهبود رضایت زناشویی در تعارض زوجین می‌شود. همچنین نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های پژوهش شیخ هادی سیروئی و همکاران (۷) همخوانی دارد. آن‌ها در پژوهشی نشان دادند، برنامه آموزشی رفتاردرمانی دیالکتیکی می‌تواند موجب بهبود سبک‌های سازنده مدیریت تعارض و کاهش سبک‌های مخرب

بین فردی، توانایی حل تعارض‌های بین فردی را افزایش می‌دهد و اعتماد به نفس و خودباوری را نیز بهبود می‌بخشد؛ همه این امور می‌تواند موجب شود کیفیت روابط ارتقا یابد (۲۴)؛ در نتیجه زنان در روابط خود با همسر، حمایت و توجه بیشتری را دریافت کنند و نیز با بهبود افکار منفی توجیهاتی که از پیش وجود داشته است، برای آن‌ها نمایان شود. همین امر موجب کاهش دلزدگی روانی در آنان می‌شود.

از محدودیت‌های مهم پژوهش حاضر این بود که وضعیت و میزان دلزدگی زناشویی مردان به دلیل نبود امکان دسترسی مطالعه نشد. به پژوهشگران در سایر شهرها که امکان مداخله در پیشگیری از طلاق را دارند، پیشنهاد می‌شود روش رفتاردرمانی دیالکتیکی را برای کاهش دلزدگی زناشویی به کار گیرند؛ همچنین توصیه می‌شود به بررسی دلزدگی زناشویی زنان در نمونه بزرگتر به همراه مقایسه دلزدگی زناشویی مردان و زنان بپردازند. همچنین پیشنهاد می‌شود فنون و روش‌های کاربردی رویکرد درمان بین فردی به مشاوران و مدرسان آموزش خانواده آموزش داده شود تا آن‌ها بتوانند با به کارگیری این روش درمانی مؤثر به طیف وسیعی از ناسازگاری‌های زناشویی بپردازند.

۵ نتیجه‌گیری

رفتاردرمانی دیالکتیکی بر کاهش دلزدگی زناشویی و مؤلفه‌های دلزدگی جسمی و عاطفی و روانی زنان در آستانه طلاق مؤثر است؛ لذا مشاوران و درمانگران خانواده می‌توانند از این روش در راستای مداخلات بالینی و آموزشی استفاده کنند و آن را به عنوان راهکاری مؤثر برای کاهش مشکلات زناشویی و افزایش رضایت‌مندی زناشویی در مراکز مشاوره خانواده به کار برند.

۶ تشکر و قدردانی

از همکاری و مشارکت تمامی زنان شرکت کننده در پژوهش، مسئولان محترم بهزیستی شهر ساری و همه عزیزانی که در انجام دادن این پژوهش ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول پژوهش حاضر با کد ۱۰۶۲۱۶۰۲۹۷۲۰۳۴ است. نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی در این مقاله وجود ندارد. همچنین این پژوهش تحت حمایت مالی سازمان، نهاد یا مؤسسه‌ای نبوده است.

بخش یافته‌ها مشاهده شد که با کنترل پیش‌آزمون، بین زنان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ دلزدگی زناشویی عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد. سولر و همکاران در پژوهشی نشان دادند، در افراد گروه مهارت‌آموزی رفتاردرمانی دیالکتیکی در مقایسه با گروه گواه، مسائل خلقی و هیجانی نظیر افسردگی، اضطراب، خشم، بی‌ثباتی عاطفی و تحریک‌پذیری بهتر بهبود می‌یابد (۹).

نتایج پژوهش اخوان و سجادیان مشخص کرد، آموزش مهارت‌های مبتنی بر رفتاردرمانی دیالکتیکی به آزمودنی‌های گروه آزمایش موجب کاهش نمرات بی‌ثباتی هیجانی می‌شود؛ به طوری که نمرات پس‌آزمون بعد از طی هشت جلسه مداخله کاهش درخورتوجهی در مقایسه با نمرات قبل از مداخله داشته است (۱۳).

منطق احتمالی این اثربخشی آن است که رضایت‌مندی زناشویی هر فردی در گرو چگونگی مقابله با فشارهای روانی است که زوجین در مسیر زندگی با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. عامل مهم در مقابله با فشارهای روانی، باورهای ذهنی افراد است. رفتاردرمانی دیالکتیکی با ارائه راهبردهای مقابله مبتنی بر هشیاری فراگیر و تحمل‌پریشانی و همچنین راهبردهایی از قبیل ارزیابی مجدد، تفکر درباره نکات مثبت موضوع و اجازه عبور به فکر، نظارت بهتری را بر موقعیت برای فرد به ارمغان می‌آورد (۸). متعاقباً این نظارت بهتر بر موقعیت، استرس زناشویی فرد را کاهش می‌دهد و در نهایت منجر به کاهش ازپافتادگی عاطفی می‌شود. همچنان که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، با کنترل پیش‌آزمون، بین زنان گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ دلزدگی زناشویی روانی تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش قدم‌پور و همکاران که نشان دادند رفتاردرمانی دیالکتیک باعث کاهش باورهای فراشناختی منفی گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه شده است (۲۴)، همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که آموزش مهارت‌های کارآمدی بین فردی به زنان کمک می‌کند تا از جرئت‌مندی بیشتری برخوردار شوند، در روابط بین فردی خود چیزی را که می‌خواهند به دست آورند، قدرت «نه گفتن» در آن‌ها تقویت شود، با تعارض‌ها مقابله کنند و توانایی استمرار روابط بین فردی و حفظ احترام به خویشان در آن‌ها بیشتر شود (۱۰).

آموزش تنظیم هیجان می‌تواند بر مهارت‌های فرد در کنترل هیجان‌های منفی در روابط بین فردی بیفزاید. در نهایت آموزش مهارت‌های

References

1. Zhang H, Spinrad TL, Eisenberg N, Luo Y, Wang Z. Young adults' internet addiction: Prediction by the interaction of parental marital conflict and respiratory sinus arrhythmia. *Int J Psychophysiol*. 2017;120:148–56. doi: [10.1016/j.ijpsycho.2017.08.002](https://doi.org/10.1016/j.ijpsycho.2017.08.002)
2. Patrick S, Sells JN, Giordano FG, Tollerud TR. Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*. 2007;15(4):359–67. doi: [10.1177/1066480707303754](https://doi.org/10.1177/1066480707303754)
3. Pokorska J, Farrell A, Evanschitzky H, Pillai K. Relationship fading in business-to-consumer context. In S Sezgin, E Karaosmanoglu, AB Elmadag Bas. editors. (Eds.), EMAC 2013: 42nd Annual European Marketing Academy conference: Lost in translation. Istanbul: Turkey; 2013. <https://research.aston.ac.uk/en/publications/relationship-fading-in-business-to-consumer-context>

4. Kayser K. The marital disaffection scale: an inventory for assessing emotional estrangement in marriage. *The American Journal of Family Therapy*. 1996;24(1):83–8. doi: [10.1080/01926189508251019](https://doi.org/10.1080/01926189508251019)
5. Motahhari ZS, Ahmadi K, Behzadpoor S, Azmoodeh F. Effectiveness of mindfulness in marital burnout among mothers of ADHD children. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2014;3(4):591–613. [Persian] http://fcp.uok.ac.ir/article_9642_7e2b4bfaafd6e04ad3699821815f6182.pdf
6. Khodadadi Sangdeh J, Hajizadeh T, Amoosti F, Rezaie M. The prediction of couple burnout according to the general health and marital intimacy among Nurses. *Preventive Care in Nursing & Midwifery Journal*. 2016;6(2):45–53. [Persian] <http://zums.ac.ir/nmcjournal/article-1-336-en.pdf>
7. Sheykhkhadi Sirouei R, Madani Y, Gholamali Lavasani M. Effectiveness of dialectical behavioral therapy on conflict management styles of high-conflicted couples. *Community Health Journal*. 2017;11(Issue 3, 4):47–55. [Persian] http://chj.rums.ac.ir/article_65747_cff3efd69ff0ed1e802436268f2e3540.pdf
8. Teimory S, Ghafariyan G, Yazdanpanah F. The effectiveness of dialectical behavioral therapy on marital satisfaction in couples conflict. *Research in Clinical Psychology and Counseling*. 2019;8(2):101–15. [Persian] doi: [10.22067/ijap.v8i2.66503](https://doi.org/10.22067/ijap.v8i2.66503)
9. Soler J, Pascual JC, Tiana T, Cebrià A, Barrachina J, Campins MJ, et al. Dialectical behaviour therapy skills training compared to standard group therapy in borderline personality disorder: a 3-month randomised controlled clinical trial. *Behav Res Ther*. 2009;47(5):353–8. doi: [10.1016/j.brat.2009.01.013](https://doi.org/10.1016/j.brat.2009.01.013)
10. McKay M, Wood JC, Brantley J. *The Dialectical Behavior Therapy Skills Workbook: Practical DBT Exercises for Learning Mindfulness, Interpersonal Effectiveness, Emotion Regulation & Distress to Learn*. Hamodpour H, Jomepour H, Andooz Z. (Persian translator). Tehran: Arjmand Pub; 2007.
11. Klein SR, Renshaw KD, Curby TW. Emotion regulation and perceptions of hostile and constructive criticism in romantic relationships. *Behavior Therapy*. 2016;47(2):143–54. doi: [10.1016/j.beth.2015.10.007](https://doi.org/10.1016/j.beth.2015.10.007)
12. Hayes SC, Follette VM, Linehan MM. *Mindfulness and Acceptance: Expanding The Cognitive-Behavioral Tradition*. New York: Guilford Press; 2004, pp:6–7.
13. Akhavan S, Sajjadian I. Effectiveness of dialectical behavior therapy on emotional instability and impulsivity in bipolar patients. *Journal of Clinical Psychology*. 2016;8(3):11–24. [Persian] doi: [10.22075/jcp.2017.2241](https://doi.org/10.22075/jcp.2017.2241)
14. Quinn GP, Keough MJ. *Experimental Design and Data Analysis for Biologists*. Cambridge, UK: Cambridge University Press; 2002.
15. Pines AM. *Couple burnout: Causes and cures*. London Routledge; 1996.
16. Linehan MM, Dexter-Mazza ET. *Dialectical Behavior Therapy for Borderline Personality Disorder*. In: *Clinical Handbook of Psychological Disorders: A step-by-step treatment manual*. 4th ed. New York: The Guilford Press; 2008. pp: 365–420.
17. Salbach-Andrae H, Bohnkamp I, Pfeiffer E, Lehmkuhl U, Miller AL. Dialectical behavior therapy of anorexia and bulimia nervosa among adolescents: a case series. *Cognitive and Behavioral Practice*. 2008;15(4):415–25. doi: [10.1016/j.cbpra.2008.04.001](https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2008.04.001)
18. Fruzzetti AE. *The High-Conflict Couple: a dialectical behavior therapy guide to finding peace, intimacy & validation*. Oakland: New Harbinger Publications; 2006, pp:27–78.
19. Linehan MM. *Cognitive behavioral treatment of borderline personality disorder*. New York: Guilford Press; 1993.
20. Pines AM, Nunes R. The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. *Journal of Employment Counseling*. 2003;40(2):50–64. doi: [10.1002/j.2161-1920.2003.tb00856.x](https://doi.org/10.1002/j.2161-1920.2003.tb00856.x)
21. Safipouriyani S, Ghadami A, Khakpour M, Sodani M, Mehrafarid M. The effect of group counseling using interpersonal therapy (IPT) in reducing marital boredom in female divorce applicants. *Journal of Nursing Education*. 2016;5(1):1–11. [Persian] <http://jne.ir/article-1-575-en.pdf>
22. Naderi F, Eftekhari Z, Amola Zadeh S. The correlations among personality characteristics and intimate relationships with couple burnout in spouses of addict men in Ahwaz. *New Findings in Psychology*. 2009;3(11):61–78. [Persian]
23. Harley R, Sprich S, Safren S, Jacobo M, Fava M. Adaptation of dialectical behavior therapy skills training group for treatment-resistant depression. *The Journal of Nervous and Mental Disease*. 2008;196(2):136–43. doi: [10.1097/NMD.0b013e318162aa3f](https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e318162aa3f)
24. Gadampour E, Yousefvand M, Farrokhzadian AA. Effectiveness of DBT Treatment (Dialectical Behavioral Therapy) in changing the level of negative and positive meta-cognitive Beliefs and Body Image Concerns (BICI) Students of Depressed girl. *Journal of Modern Psychological Researches*. 2018;13(49):21–40. [Persian] https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_7415_7994ab77671cdcd19ae19f3aff31d45d.pdf